

رابرت گریوز و دیگران

جهان اسطوره‌ها

برگه داد

دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور

عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی



۱۳۹۴

سرشناسه: عنوان و نام پدیدآور: ججهان اسطوره‌ها/ رابرت گریوز و دیگران / برگردان ابوالقاسم اسماعیل پور.
 مشخصات نشر: تهران: جامی، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری: ۷۲۰ ص.
 شابک: 978-600-176-111-9
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیفا
 موضوع: اساطیر یونانی.
 شناسه افزوده: اسماعیل پور، ابوالقاسم - ۱۳۳۳ - مترجم.
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ ج ۴ گ/ BL۷۸۱
 رده‌بندی دیویی: ۲۹۲
 شماره کتابخانه ملی: ۳۶۳۸۱۹۹



خیابان دانشگاه، چهار راه وحید نظری، شماره ۵۲

تلفن: ۴۰۴۰۰۱۲۳

www.Jamipub.com info@jamipub.com

جهان اسطوره‌ها

رابرت گریوز و دیگران

برگردان: ابوالقاسم اسماعیل پور

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

چاپ: فراین

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹ - ۱۱۱ - ۱۷۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ISBN : 978 - 600 - 176 - 111 - 9

۵۵۰۰۰ تومان

فهرست

۵	پیش‌گفتار مترجم
۹	درآمدی بر اسطوره‌شناسی / رابرت گریوز
۱۹	اسطوره‌های پیش از ریخ / ه. لاکونه
۴۵	اسطوره‌های سومری و اکاده / ف. ژیران
۱۱۹	اسطوره‌های فنیقی / ل. دلاپورت
۱۶۱	اسطوره‌های بین‌النهرینی / ن. ک. سارز
۲۰۱	بررسی و تحلیل منظومه آفرینش بابلی
۲۶۹	دییاجه‌ای بر سفر اینانا به دوزخ
۲۹۱	سفر اینانا به دوزخ
۳۶۷	اسطوره‌های مصر باستان / ژ. ویو
۴۷۵	اسطوره‌های یونان باستان / ف. ژیران
۶۹۹	فهرست اعلام

پیش‌گفتار مترجم

اسطوره در دیدگاه پدیدارشناسی روایتگر آفرینش، سرگذشت ایزدان، کیهان‌شناخت و فرجام‌شناسی هر ملت، قوم یا قبیله است. به عبارت دیگر، اسطوره تاریخی میری و مقدس کیهانی است، پس رازآمیز می‌نماید. بینش اساطیری بینش شهودی است، با استدلال منطقی و ریاضی بیگانه است و استدلالی تمثیلی و نمادین دارد. آفرینندگان اسطوره‌ها هنرمندانی چیره‌دست اما گمنام‌اند که در زمان‌های دیر، آثار اسطوره‌ای را به طور دسته‌جمعی آفریدند. آثار نوشتاری و تصویری که نسل به نسل گشت، چه بسا دگرگون شد و کمال یافت. اسطوره‌پردازان در طی روزگاران دیر، به گونه‌ای شهودی و بی‌واسطه، تصاویر و بن‌مایه‌های شگرف اسطوره‌ای را آفریدند که هنوز هم ارزشمند و قابل تجزیه و تحلیل‌اند. مایینوسکی در این باره می‌نویسد: «اسطوره در جامعه بدوی، یعنی به صورت آغازین و زنده خود، فقط قصه نامیده نیست، بلکه واقعیتهای تجربه شده است. اسطوره به نوع ابداعاتی که در زمان‌های امروزی می‌خوانیم، تعلق ندارد، بلکه حقیقتی زنده است که گویا در زمان‌های آغازین به وقوع پیوسته و از آن پس، جهان و سرنوشت آدمیان را تحت تأثیر قرار داده است.»^۱

بنابراین، روایات اساطیری روایاتی «تجربه‌مند»‌اند و تنها در کلام نمی‌گنجند، بلکه در آثار تصویری، موسیقایی و حتی در رقص بدویان مستترند. جلوه‌گاه اساطیر، آیین‌ها و نمایش‌های اسطوره‌ای‌اند. به عبارت دیگر، آیین‌ها و مراسم مقدس جنبه عملی، کارکردی و نمایشی هر سرزمین به شمار می‌روند.

اسطوره شخصیت‌هایی ازلی دارد که به صورت الگوهای آغازین و نمونه‌وار جلوه می‌کنند. پس اسطوره زمان مشخصی ندارد، بی‌زمان و گاه بی‌مکان و بی‌کرانه است. گویند در آغاز، در ناکجا آبادی ظلمانی، تنها آشفتگی نخستین در

کیهان بود. آنگاه ایزدان ازلی به گونه‌ای نورانی و زرین جلوه یافتند و آشفتنگی و ظلمت را از میان برده، نظم در کیهان برقرار کردند. سپس ایزد خورشید، آسمان، ماه و زمین و غیره تجلی یافتند. به همین گونه، انسان‌ها، جانوران و گیاهان جامه ظلمانی از تن درآورده، آشکاره شدند. هر کدام از این پدیده‌ها خود روایاتی شگفت‌آور، رازگونه، سوررئالیستی و نمادین دارند که مطالعه آنها بسی سودمند است و به شناخت ریشه‌های فرهنگی اجتماعی یک ملت کمک می‌کند.

اسطوره در روزگاران باستان زنده بود و نیازهای مادی و روانی باستانی‌ان را برآورده می‌کرد و افزون بر توجیه جهان، در کارهای روزانه انسان، همچون خمر، کشت و کار و حتی نیازمندی‌های دینی و روانی، یاور او بود. اسطوره‌پردازان در شناخت و توجیه کیهان، از استدلال شهودی و تمثیلی بهره می‌گرفتند و با استفاده از ساختار اجتماعی هر قوم را در اسطوره‌ها منعکس می‌کردند.

موجودات فراطبیعی اسطوره‌ها هرچند به نظر ما خیالی می‌نمایند، اما انسان دوره اساطیری آنان را واقع می‌دانست و می‌پرستید، چه در زندگی او کارکرد و حضوری کنش‌مند داشت. ایزدان اسطوره‌ای در ایزدستان (پانتئون) ویژه خویش می‌زیستند. در روزگاران بسیار کهن، نخست ایزدان در میان انسان‌ها، در خانه، باغ چراگاه و کشتزار به سر می‌بردند و بیشتر جبهه را به بخشی داشتند. ایزدان مهم‌تر نقش کاهن و فرمانروا را ایفا می‌کردند و ایزدان نیزه‌گر و جنگجو در مبارزات اجتماعی قوم یا قبیله شرکت می‌جستند. تیشتر باران‌ساز را در سپندارمذ گیاهان را می‌رویاند، مردوخ جهان را می‌آفریند، ایزد مهر در جنگ با به مردم یاری می‌رساند و ضامن میثاق و پیمان بوده است. در روزگار بعد که دانش اخترشناسی در بابل پیشرفت کرد، ایزدانی که در کنار مردم، در خانه‌ها و کشتزاران و چشمه‌ها، یا حداکثر فراز تپه‌ها و کوهپایه‌ها به سر می‌بردند، ناگهان به ژرفای آسمان‌ها سفر کردند و ایزدستان خود را به کهکشان‌ها بردند. پس ایزدانی مینویی‌تر و مجردتر پدید آمدند.

کارکرد بنیادین ایزدان مهم، آفرینش است. بنابراین، هر اسطوره دربردارنده روایت یک آفرینش یا یک نوع کیهان‌شناخت است، که ریشه هر چیز را بیان می‌کند و روایتگر نظم پدیده‌های طبیعت و نیروهای کیهانی است.

افسانه‌ها مربوط به شخصیت‌های طبیعی است، نه ایزدان و نیروهای

فراطبیعی. شاید شخصیت‌ها و قهرمانان افسانه‌ها خیال‌انگیز و رؤیایی باشند، اما افسانه‌ها بیشتر به انسان‌ها می‌پردازند و هاله‌های رؤیایی و رازناک‌گرد آنها می‌تند. اسطوره‌ها قداست دارند، در حالی که افسانه‌ها تنها خیال‌انگیز و محبوب‌اند و با اسطوره‌ها تفاوتی اساسی و بنیادین دارند. حماسه نیز راوی سرگذشت ایزدان نیست، بلکه به داوری‌های قهرمانان یک ملت می‌پردازد. این قهرمانان لزوماً اسطوره‌ای نیستند، ولی گاه ممکن است پیشینه‌ای اسطوره‌ای داشته باشند. مثلاً گیل‌گمش پهلوانی حماسی است، اما ریشه‌های اساطیری را هم می‌توان در شخصیت او جست، چه دوسوم وجودش ایزدی است، یا جمشید در اساطیر و دوایرانی شخصیتی کاملاً اسطوره‌ای دارد و ایزد به شمار می‌آید، در حالی که جمشید شاهنامه، شهریار آرمانی است. بنابراین، درون‌مایه اسطوره بیشتر ایزدی و فراطبیعی و درون‌مایه حماسه پهلوانی و شهریار است. افسانه‌ها نیز چنان که گفته آمد، عابانه و محبوب‌اند، اما قداست ندارند. به بیان دیگر، اسطوره‌ها دینی، آیینی و قدسی‌اند، در حالی که حماسه‌ها ملی و افسانه‌ها عامیانه‌اند. اسطوره ازلی و بی‌زمان است، اما حماسه زمانمند و مربوط به دلاوری‌ها و مبارزات یک قوم و یک زمان نسبتاً مشخص است، هرچند ممکن است کاملاً تاریخی نباشد. افسانه‌ها ممکن است زمان مشخص و تاریخی نداشته باشند، اما زمان افسانه مانند اسطوره، ازلی نیست. افسانه‌ها بازگوکننده روایاتی در زمان شهریارانی نامشخص و گاه خیالی است که در مکان‌هایی خیالی همچون کوه سراندیب، کوه‌قاف، چشمه حیات و غیره رخ می‌دهند. اسطوره‌ها و افسانه‌های پریان خود تجلی کهن‌نمونه‌ها (مثالی) هستند. کهن‌نمونه‌ها همچون امواج دریای ژرف ناخودآگاه جمعی‌اند. انسانان باستانی به ما رسیده، در لایه‌های ژرف ناخودآگاه جمعی ما نقش بسته‌اند. لایه‌های ژرف ناخودآگاه خود نمادین‌اند، زبان و بیانی نمادین دارند. نمادها گاه جهانی‌اند و از آن قوم یا ملت ویژه‌ای نیستند.

اسطوره‌ها را تنها به یاری دانش اسطوره‌شناسی و مکاتب علمی و گسترده آن می‌توان تجزیه و تحلیل کرد. در غیر این صورت، تنها به مطالعه «داستان و سرگذشت» پرداخته‌ایم و بس. چنان که در سده اخیر در این سرزمین تنها ادبیات داستانی آفریده شده است و از نقد و تفسیر خبری نیست. به همین گونه، اسطوره و اسطوره‌شناسی را باید دو مقوله جدا از هم پنداشت، هرچند بی‌وجود

اسطوره، دانش اسطوره‌شناسی معنایی نخواهد داشت و برعکس. دانش اسطوره‌شناسی در سرزمین ما هنوز بسیار جوان است و چند دهه پیش نیست که یکی دو تن از پژوهشگران مایه‌ور به این مهم پرداخته‌اند. ما بیشتر به معرفی اسطوره‌ها پرداخته‌ایم و اسطوره‌شناسی و نقد و تفسیر مکاتب گوناگون آن، به گونه فرهنگی‌گستانی، هنوز در جامعه ما استحکام نیافته است.

جستارهای گردآمده در این کتاب شامل اسطوره‌ها، دیدگاه‌های اسطوره‌شناختی و بخش‌های مهم اساطیری جهانند که به صورت پراکنده با عناوین متفاوت عرضه شده بود.

۱. اسماعیل پور

تهران، مرداد ۱۳۹۳

www.ketab.ir